

ابن سینا در آئینه‌ی غربت^۱

دکتر علی محمدی*

عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا

چکیده:

نوشته‌ی حاضر، ترجمه‌ی مقاله‌ای است از دکتر منذر احمد که ابتدا به شرح حال مختصر ابن سینا و سپس بطور اختصاصی به تشریح بخشی از کتاب قانون و برخی از بیماری‌های خاص مندرج در آن پرداخته است. نکته قابل توجه در این مقاله نقدی بر نوشته‌های نگارنده‌ی مذکور است که در پی‌نوشت‌ها درج شده است. چهره ابن سینا در یک ترجمه خارجی تحت عنوان «ابن سینا در آئینه‌ی غربت» قابل تأمل است.

کلید واژه‌ها:

ابن سینا، کتاب قانون، بیماری ذات‌الصدر.

* آدرس: همدان - کوی استادان - مجتمع استادان بوعلی - بلوک ۵ - پلاک ۹ - تلفن: ۸۲۲۸۳۱۲ - ۰۸۱۱
mohammadiali2@yahoo.com

ابن سینا در سال ۹۸۰ م در روستای افشنه^۲ نزدیک بخارا به دنیا آمد. جایی که امروزه در جنوب کشور روسیه واقع شده است. پدرش عبدالله، اهل بلخ و یکی از مبلغان فرقه‌ی اسماعیلیه^۳ و مادرش نیز اهل روستایی نزدیک بخارا بود. ابن سینا که در غرب اویسنا (Avicenna) خوانده می‌شود، در همه‌ی اعصار، در زمره‌ی بزرگان و نوابغ محسوب گردیده است. او در کودکی، زمانی که حدوداً ده ساله بود، به طور کاملاً استثنایی، بر قرآن و علوم عربی، مسلط گردید و در طول شش سال بعد، عمر خود را کاملاً، وقف فراگیری فلسفه، حکمت طبیعی، منطق اقلیدسی و المجلسی کرد.

ابن سینا در هفده سالگی به علم طب روی آورد و چنان که خود می‌گوید آن را «نه چندان دشوار» یافت؛ اما در درک مسایل ماوراء الطبیعه به خصوص آثار ارسطو، با مشکل مواجه شد تا آن که از روی اتفاق، کتابی از فیلسوف نامدار «فارابی» به دست آورد و اشکالات خود را برطرف نمود. در سن هجده سالگی او به عنوان پزشکی سرشناس و معتبر در دربار امیر نوح بن منصور سامانی (۹۹۷ - ۹۷۶ م) راه یافت و او نیز برای قدردانی از ابن سینا، به او اجازه داد تا آزادانه از کتابخانه‌ی خاندان سامانی استفاده کند. کتابخانه‌ای که حاوی کتاب‌های نادر و بعضاً نایاب بود.

ابن سینا با استفاده از قدرت حافظه و درک مطلب خارق العاده، مفاهیم جمیع کتب این کتاب‌خانه را، به خاطر سپرد و در سن بیست و یک سالگی، امکان یافت که نخستین کتاب خود را تألیف کند. در همین دوران بود که پدر خود را از دست داد و مجبور شد که بخارا را ترک گفته، راهی نواحی غربی شود. مدتی ملازم دربار علی بن مأمون، امیر خیره، بود؛ اما در نهایت برای نجات از دست سلطان محمود غزنوی، مجبور به فرار شد. پس از چندی در به دری به جرجان در حوالی دریای خزر رسید. قابوس امیر جرجان، که حامی فضل بود، ابن سینا را به

خاطر شهرتی که داشت به دربار خود، فرا خواند . متأسفانه ورود وی به جرجان، تقریباً مصادف با برکناری و قتل امیر، قابوس، شد^۵. در جرجان ابن سینا به تدریس منطق و نجوم پرداخت و همان‌جا نخستین فصل از قانون، عظیم‌ترین کتاب خود را نگاشت . وی سپس عازم ری گردید و در آن‌جا درمانگاهی تأسیس نمود^۶. چون ری به محاصره دشمنان درآمد، به همدان گریخت و در آن‌جا بیماری قولنج امیر شمس الدوله را درمان کرد و از او سمت وزارت یافت .

شورش سپاهیان باعث برکناری و زندانی شدن ابن سینا شد؛ اما چندی بعد امیر که مجدداً گرفتار قولنج شده بود، او را احضار کرد و از وی پوزش طلبید و دوباره وی را به وزارت گماشت. در این زمان زندگی پر مشغله‌ای داشت. در طول روز در رکاب امیر بود و شب هنگام به تدریس املاهای کتابهای خویش می‌پرداخت . شاگردانش در خانه‌ی وی گرد می‌آمدند و در نزد وی بخش‌هایی از دو کتاب بزرگش، یعنی قانون و شفا را که قبلاً تألیف کرده بود، تلمذ می‌کردند .

متعاقب مرگ امیر، ابن سینا به اصفهان گریخت و در آن‌جا نیز چندی به زندان افتاد^۷. وی سال‌های پایانی عمر خود را در خدمت حاکم شهر اصفهان علاء الدوله، گذراند و مشاور او در مسایل علمی و ادبی بود و در لشکر کشی‌ها، وی را همراهی می‌کرد . دوستانش به او توصیه می‌کردند که در امور افراط نکند^۸ و در کارها متعادل باشد؛ اما میانه روی در جوهره‌ی او نبود . خود او می‌گفت: « من به عرض زندگی می‌اندیشم، نه به طول آن! »^۹

بر اثر کار و زندگی پر هیجان، سرانجام در او ان ۵۸ سالگی، در همدان وفات یافت .

به گفته‌ی القفطی^{۱۰} ابن سینا ۲۱ کتاب کامل و ۲۴ اثر کوچک‌تر در موضوعات مختلفی چون فلسفه‌ی طب،

الاهیات، هندسه، نجوم و نظایر آن تألیف کرده است . مأخذ دیگری (Brockelmann) ۹۹ اثر به ابن سینا نسبت

داده است که از آن میان ۱۶ اثر راجع به پزشکی، ۶۸ اثر مربوط به الاهیات و ماوراء الطبیعه، ۱۱ اثر در مورد نجوم و ۴ اثر درباره‌ی شعر است. بیشتر این کتاب‌ها عربی است؛ اما او به زبان مادریش، فارسی، نیز کتابی مهم در موضوع فلسفه‌ی علم به نام دانش نامه‌ی علایی و اثری به نام رساله‌ی نبض دارد.

مشهورترین شعر او به زبان عربی، توصیف هبوط روح به جسم، از عالم ملکوت است.

مهم‌ترین آثار علمی او، عبارت‌اند از: کتاب شفا که دایرة‌المعارفی فلسفی است، مبتنی بر حکمت ارسطو. و

دیگر کتاب قانون در طب. این کتاب مجموعه‌ای نظام‌مند از دانش پزشکی یونانی - عربی است.

در میان ۱۶ اثر پزشکی ابن سینا، ۸ مورد رسالاتی است مانند بیست و پنج شاخصه‌ی پایان مهلك امراض،

قواعد بهداشتی، معالجات مقتن، یادداشت‌هایی مربوط به کالبد شکافی و ...

در میان آثار متورش، پس از کتاب بزرگ قانون: رساله‌ای است مربوط به داروهای بیماری‌های قلبی که

احتمالاً مهم‌ترین اثر اوست، اولی با این‌که با نسخه‌های متعدد و مطلوبی از آن در موزه‌ی بریتانیا

(British Maseum) وجود دارد، هنوز به چاپ نرسیده است.

کتاب قانون بی‌تردید مشهورترین و مهم‌ترین اثر ابن سینا است. این کتاب حاوی یک میلیون واژه است و

مانند بسیاری از کتاب‌های عربی، دارای تبویب دقیقی است. کتاب قانون به پنج بخش اصلی تقسیم شده است. در

بخش اول قواعد عام مطرح شده، در بخش دوم داروهای ساده به ترتیب الفبایی معرفی شده است. بخش سوم

مربوط است به بیماری‌های خاص اندام از سر تا پا. چهارمین بخش به بیماری‌هایی مانند تب و لرز اختصاص دارد

که از یک نقطه بدن شروع شده و به سایر اعضا تسری می‌یابد و سرانجام در بخش پنجم به داروهای ترکیبی

می‌پردازد.

در قانون بیماری ذات‌الصدر از ذات‌الجنب تفکیک شده هم چنین به مسری بودن بیماری سل و نحوه‌ی گسترش آن به سبب آب و خاک، توضیح داده شده است. در این کتاب به شیوه تشخیص علمی بیماری‌های عفونی (ankylostomiasis) اشاره شده و عامل آن را به کرم روده مربوط می‌داند.

در قانون از اهمیت علم تغذیه سخن رفته و تأثیر آب و هوا و محیط بر سلامتی و نیز استفاده از بی‌هوشی در جراحی‌ها تأکید گردیده است، ابن سینا به جراحان توصیه می‌کند که با سرطان در همان مراحل اولیه، برخورد کنند و برداشتن بافت‌های سرطانی، تأکید دارد.

در قانون از بیش از ۷۶۰ دارو، علاوه بر چگونگی کارکرد و تأثیر آن‌ها بر بدن، یاد شده است وی توصیه می‌کند که داروهای جدید، بر نمونه‌های حیوانی و انسانی، پیش از استفاده‌ی فراگیر، آزمایش شوند.

ابن سینا بر ارتباط نزدیک بین عواطف و وضعیت جسمی واقف بود و می‌دانست که موسیقی تأثیر جسمانی و روانی معینی بر بیماران دارد. از میان اختلالات روانی که او در کتاب قانون یاد کرده، علاقه‌ی غیر طبیعی (بیماری عشق) قابل توجه است. ابن سینا خود این بیماری را در مورد امیر زاده‌ای در شهر جرجان تشخیص داد. این امیر زاده در بستر بیماری افتاده بود و مرض او پزشکان شهر را متحیر ساخته بود. وی متوجه شد که نبض بیمار زمانی که نام معشوقش برده می‌شود، به طور غیر طبیعی، سریع‌تر می‌زند. حکیم بزرگ درمان ساده‌ای برای این بیماری تجویز کرد و آن وصل عاشق و معشوق بود.^{۱۱} متن عربی قانون نخستین بار در سال ۱۵۹۳. م در رم چاپ شد و از این جهت جزو نخستین کتابهای عربی است که به چاپ رسیده است. این کتاب توسط جرارد کرمونا (Gerard of Cremona) در سده‌ی دوازدهم میلادی به لاتین ترجمه شده بود. طولی نکشید که قانون با محتوای دایرة‌المعارف گونه و تدوین منطقی و طرح فلسفی‌اش در ادبیات پزشکی عصر خود، تأثیر نمود و جانشین

کتب دانشمندانی چون گالن (Galen)^{۱۲} رازی^{۱۳} و مجوسی^{۱۴} شد. این کتاب مدت‌ها به عنوان متن درسی، جهت آموزش طب، در مدارس اروپا تدریس می‌گردید. قانون در ۱۵ سال آخر سده‌ی پانزدهم میلادی پانزده بار به زبان‌های لاتین و عربی تجدید چاپ شد.

در سال‌های اخیر، ترجمه‌ی بخشی از آن به انگلیسی صورت گرفته است. در طول سده‌های ۱۲ تا ۱۷ میلادی، کتاب قانون، راهنمای اصلی علم طب در غرب بوده و گفته می‌شود که لئوناردو داوینچی نیز از آن تأثیر پذیرفته است.

دکتر ویلیام اوسلر (Dr. William Osler) معتقد است که: «قانون در عالم طب، حکم کتاب مقدسی را دارد.» با وجود ستایش‌هایی این چنین، از بوعلی سینا و تأثیر بنیادی قانون در عالم طب و رنسانس اروپایی، به ندرت یاد می‌شود.

در شهر بخارا، زادگاه او، موزه‌ای مخصوص نمایش بسیاری از آثار، وسایل جراحی و تابلوهایی که چگونگی درمان بیماران را نشان می‌دهد، وجود دارد. این موزه یادمانی مؤثر برای شناخت زندگی و کتب مردی است که هنوز هم در خارج از بخارا لقب حکیم الحکماء دارد و تصویری از او در سالن دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس به چشم می‌خورد.^{۱۵}

پی نوشت‌ها :

- ۱ - مقاله‌ی حاضر، ترجمه‌ی مقاله‌ای است، تحت عنوان : « پورسینا، حکیم الحکما » نوشته‌ی دکتر مُنذر احمد (Dr . Monzur Ahmed) که از طریق اینترنت، گرفته شده است . این مقاله، پیش از این در مجله‌ی تکنولوژیست‌های مسلمان (Moslim _ Technologist) در نوامبر ۱۹۹۰ . م به چاپ رسیده بود . قابل یادآوری است که آن چه در پی نوشت‌ها، با نشانه‌ی « م » مشخص شده است، متعلق به مترجم مقاله است . جا دارد در همین جا از دوست عزیزم، جناب آقای دکتر طاهری سپاسگزاری کنم که اصل مقاله را در اختیار من گذاشتند و در ترجمه‌ی آن یاری‌گر من بودند . م
- ۲ - زادگاه ابن سینا ، چنان که در اقوال و اسناد مختلف آمده است، دهکده‌ی افشنه از روستای خورمیشن بخارا بوده است. در جشننامه‌ی ابن سینا که به مناسبت هزاره‌ی اول او در ایران برپا شد (سال ۱۳۳۱.ش) کتاب به همت دکتر ذبیح الله صفا به چاپ رسید که به طور موفا به شرح احوال ابن سینا، در آن کتاب پرداخته شده است . م
- ۳ - در چگونگی مذهب ابن سینا، سند معتبری نیست که اشاره‌ی صریح به مذهب او کرده باشد. در خصوص پدرش نیز بدین صراحت معلوم نیست که واقعاً او یکی از مبلغان اسماعیلیه بوده است . تنها در زندگی نامه خود نوشتی که بخش اول آن را ابن سینا و بخش دیگرش را شاگردش ابوعمیدالله عبدالواحد جوزجانی نوشته، ابن سینا به نکته‌ای اشاره کرده است که مبتنی بر اسماعیلی بودن پدر اوست : « ... پدرم از کسانی بود که دعوت مصریان که مردم را به اسماعیلیه می‌خواندند، پذیرفته بود ... »؛ سپس جمله‌ای دارد که مبنی بر عدم پذیرش اقوال پدر و برادرش است : « ... و من می‌شنیدم و آن چه را می‌گفتند درک می‌کردم ؛ اما نفس من نمی‌پذیرفت ... » برای اطلاع بیش‌تر، نگاه کنید به زندگی و کار و اندیشه و روزگار پور سینا، نوشته‌ی سعید نفیسی، تهران ۳۳۳ . ص ۶۳ به بعد . م

۴ - منظور از خیوه، همان گرگانج (گرگان و طبرستان) و منظور از علی بن مأمون، ابوالحسن علی بن مأمون خوارزم شاه، پسر ابوالعباس مأمون بن محمد است که در سال ۳۸۷ . ق به جای پدرش نشست و دختر سبکتگین (خواهر محمود) را به زنی گرفت . پایان سلطنتش را سال ۳۹۰ . ق دانسته اند . با توجه به این که خروج بوعلی از بخارا در سال ۳۹۱ بوده است، این اختلاف قابل تأمل است .

۵ - منظور از قابوس، شمس المعالی . ابوالحسن، قابوس بن وشمگیر بن زیار، چهارمین پادشاه سلسله‌ی زیاری در جبل قارن و گرگان و طبرستان و آمل و ساری و استرآباد است . وی در سال ۳۶۶ . ق به جای برادرش بیستون به تخت شاهی نشست و در سال ۳۷۱ از ترس هجوم آل بویه از محل خویش گریخت و به دربار محمود غزنوی پناه برد . وقتی محمود امنیت ورود مجدد او را به گرگان فراهم کرد، پانزده سال دیگر به پادشاهی خود ادامه داد و به سبب بد رفتاری با زبردستان در سال ۴۰۳، در میان راه گرگان و استرآباد او را به هلاکت رساندند . سال مرگ او، سالی است که ابن سینا از خوارزم (با یک سال اختلاف) بیرون آمده بود و ظاهراً هیچ گاه ملاقاتی میان او و امیر قابوس صورت نپذیرفت . به همین دلیل افسانه‌ی معالجه‌ی قابوس نیز پذیرفتنی نخواهد بود .

۶ - اطلاعات نویسنده‌ی مقاله، مبتنی بر آراء و تراجم احوال غریبان است که عمدتاً تابع افسانه‌ها و اقوال غیر مستند می‌باشد . تأسیس درمانگاه در ری نیز یکی از آن اقوال است که معلوم نیست نویسنده از چه مأخذی آن را أخذ کرده است .

۷ - این که بوعلی سینا در اصفهان به زندان افتاده باشد، قابل پذیرش نیست . بیهقی در تتمه صوان الحکمة، داستانی از خشم گرفتن علاءالدوله بر بوعلی نقل می‌کند که ابن خلکان در وفیات الاعیان به گونه‌ای دیگر آن را نقل

نموده است. ابن خلکان می گوید وقتی علاء الدوله بر بوعلی خشم گرفت و او را به زندان انداخت، بوعلی در زندان در حالی که این دو بیتی را می خواند، چشم از جهان فرو بست:

رایت ابن سینا یعادى الرجال
و فى السجن مات احسن الممات
فلم یشف ما ناله بالشفاء
و لم ینج من موتة بالنجات

ابن ابی اصیبعه در طبقات الاطبا، اشاراتی به دو بیت مذکور کرده است و آن را از یکی از معاصران بوعلی دانسته است که در توصیف حال بوعلی سروده و منظورش از حبس، بیماری قولنج بوده که بوعلی بدان سبب مرده است. به همین دلیل احتمالاً مصنف مقاله‌ی حاضر، به زندان بوعلی در اصفهان اشاره کرده، که بنابر تحقیقاتی که به طور درست از زندگی بوعلی در اصفهان به دست آمده است، اقوال فوق کاملاً نادرست می باشد و هیچ نشانه‌ی آشکاری از کدورت میان علاء الدوله و ابن سینا که منجر به زندانی شدن او باشد، در میان نیست. برای آگاهی بیشتر از چگونگی زندگی بوعلی در اصفهان می توان به مقاله‌ی ممتعی که علامه همایی، در مجموعه مقالات گرد آمده در جشن هزاره‌ی فردوسی نوشته است، مراجعه کرد. و در خصوص افسانه‌هایی که گرد زندگی بوعلی به سبب شهرت جهانی‌اش ساخته و بافته شده است، به کتاب آقای صبحی مهتدی که در سال ۱۳۲۵ ش در تهران چاپ شده است. م

۸ - منظور نویسنده از امور و کارها، ظاهراً امر شرب مدام و مجالست بیش از حد بوعلی با زنان بوده است که در نقل احوال بوعلی، از این دو امر یاد شده است. م

۹ - مأخذ این عبارت متأسفانه معلوم نیست و مصنف هیچ اشاره‌ای به منبع آن نکرده است. هم چنین معلوم نیست که اگر قایل این سخن ابن سینا بوده است، این جمله را در چه بافتی بیان کرده است. مع هذا، هرچه هست جمله‌ی بسیار زیبا و موجزی است که با زندگی شاد خواری و روحیه پرنشاط ابن سینا، مطابقت کامل دارد. م

۱۰ - نگاه کنید به اخبار العلماء باخبارالحکماء : تألیف جمال الدین ابن القفطی چاپ قاهره، ۱۳۲۶ . ش . ص

۲۷۸ - ۲۶۸ . م

۱۱ - افسانه درمان درد عشق بوعلی را نظامی عروضی در چهار مقاله (صص ۸۰ - ۷۸) آورده است که

همین حکایت با تصرفاتی در دفتر اول مثنوی مولانا نیز، تحت عنوان عاشق شدن شاه بر کنیزک آمده است . چنان

که قبلاً نیز در پی نوشت شماره ۵، اشاره کردم، ملاقات ابن سینا و قابوس در هاله‌ی گمان و به احتمال بسیار زیاد،

افسانه‌ای بیش نیست ؛ اما این که ابن سینا به درمان عشق اشاره کرده باشد، این نکته در کتاب قانون وی مذکور است

: ... نبض عاشق نبض مختلف و بی نظمی است که به نبض غمگینان شباهت دارد و علی‌الخصوص هنگام ذکر

معشوق و بغنة در وقت ملاقات او تغییر می‌یابد و اگر معشوق را نشناسند، می‌توان از این راه دریافت که کیست . چه

معرفت معشوق، یکی از راه‌های علاج عاشق است و چاره‌ی این کار آن است که چندین نام را چند بار ذکر کنند و

دست بر نبض بیمار دارند اگر به ذکر یکی از آن نام‌ها در نبض او اختلافی عظیم حاصل شد و چنان گشت که به

نبض منقطع شباهت یافت و باز برگشت و این حال چند بار در او تجربه شد، باید دانست که آن نام معشوق وی است

. هم چنین نام کوی‌ها و مسکن‌ها و حرفه‌ها و صنعت‌ها و نسب‌ها و شهرها را باید چند بار برشمرد و هریک را بر نام

معشوق افزود تا چون هنگام ذکر یکی از آن‌ها نبض بیمار تغییر یابد، از همه‌ی آن‌ها اسم معشوق و نشانه و حرفه‌ی او

جمع و معلوم گردد و ما این روش را آزموده و از آن اطلاعاتی سودمند به دست آورده و کسانی را دیده‌ایم که به

علت احساس وصل معشوق در مدتی کوتاه به سلامت خود بازگشته و فریه شده‌اند . (← قانون ابن سینا، طبع بولاق،

ج ۲، صص ۷۱ - ۲ به نقل از حواشی چهار مقاله چاپ لیدن ص ۲۴۹، به نقل از سرگذشت و تألیفات و ... ابن سینا،

تألیف دکتر ذبیح الله صفا، تهران ۱۳۳۱ . ش ، انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۲۱ .

- ۱۲ - گالن، همان جالینوس (Jalinus) معرب یونانی گالenos) است. پزشک یونانی که در سال ۱۳۱ م. زاده شد و حدود سال ۲۱۰ م. درگذشت. وی در تشریح، کشفیات گران‌بهای داشته و آثار او در سرزمینهای اسلامی، معروف و مورد استفاده بوده است. م.
- ۱۳ - رازی، ابوبکر محمد ابن زکریا پسر یحیا رازی، دانشمند و پزشک پرآوازه‌ی ایرانی در سده‌ی سوم و چهارم هجری قمری (۲۵۱-۳۱۳ ق) است. مهم‌ترین اثر پزشکی وی حاوی است. م.
- ۱۴ - مجوسی، مجوسی اهوازی، علی بن عباس بزرگترین پزشک عالم اسلامی بعد از رازی بوده است. وی طبیب مخصوص عضد الدوله‌ی دیلمی و شاگرد پزشک نام دار ایرانی، ابوماهر موسی بن سیار قمی بوده است. چون کیش زردشتی داشت، او را مجوسی خواندند. کتاب مشهور او کامل الصناعه فی الطب معروف به طب ملکی و کُنّاش عضدی است که چند بار به چاپ رسیده است. این کتاب پیش از قانون ابن سینا، کاملترین کتاب در فن پزشکی شمرده می‌شد. م.
- ۱۵ - مأخذ و منابع مصنف مقاله :
- الف) ادوارد. گک. براون (۱۹۲۱ م.)، طب عربی، لندن، انتشارات دانشگاه کمبریج.
- ب) ینزویل اونیل (Ynez Violeo·Neill) (۱۹۷۳ م.) در دایره‌المعارف شرح حال بزرگان جهان، مک‌گرو-هیل، ج اول.
- پ) فیلیپ. کک. حتّی (۱۹۷۰ م.) تاریخ اعراب، چاپ دهم، لندن، مک‌میلان، صص ۳۶۸-۳۶۷.
- ت) م. ۱. مارتین (۱۹۸۳ م.)، درباره‌ی نابغه‌ی تمدن عربی، چاپ دوم، لندن، انتشارات اورابیا صص ۱۹۶.
- ۷-